

تنگناهای توسعه در استان‌های مرزی کشور

دکتر حمید شایان - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش مقاله: ۸۱/۹/۲۵

چکیده

بی‌تردید موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران بر کسی پوشیده نیست؛ لیکن این امتیاز را زمانی می‌توان هرچه بیشتر به سود منافع ملی سوق داد که با نگاهی به درون، تفاوت‌های اجتماعی - فضایی از نظر شاخص‌های اصلی توسعه در قلمرو ملی به حداقل ممکن رسانیده شود.

در این نوشتار به دلیل اهمیت موضوع به ویژه در مناطق مرزی - پیرامونی وضعیت یازده استان شمالغربی - اردبیل، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، غربی - کردستان، کرمانشاه و ایلام، جنوبغربی - خوزستان، جنوبی - هرمزگان، جنوبشرقی - سیستان و بلوچستان و شرقی - خراسان از نظر شاخص‌های متأثر و مؤثر بر سطح توسعه همانند امید به زندگی، میزان باسوادی، هزینه ناخالص سرانه و میزان مولید با استفاده از آزمونهای آماری t و u ، معیار Z و ضریب همبستگی بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تفاوت‌های بنیادین میان آنها و بقیه کشور به ویژه در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی و هرمزگان وجود دارد و برآیند آن را می‌توان حداقل در مهاجرفرستی اغلب آنها ملاحظه نمود. از سوی دیگر، وابستگی اقتصادی آنها به کشورهای مجاور می‌تواند به واگرایی فرهنگی - سیاسی و به تبع آن تضعیف هویت، اقتدار و امنیت ملی منجر شود. به ویژه اگر بدانیم که این استان‌ها ۵۰/۴ درصد از مساحت و ۴۰/۵ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شوند.

واژگان کلیدی: سطح توسعه عمومی اقتصادی، امید به زندگی، مهاجرت، سطح زندگی، سواد، استانهای مرزی

مقدمه

در آغاز دهه ۱۹۹۰، چهارده جمهوری - مستعمره مرزی از کشور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اعلام استقلال کردند. در اولین گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد در دهه مذکور^۱ مشخص شد که این جمهوری‌ها به ویژه جمهوری‌های مسلمان^۲ در رده‌های نسبتاً پایین توسعه قرار دارند. به واقع حکومت کمونیستی بهای لازم را در طی هفتاد سال به آنها نداده بود. شاید دلایل اصلی فاصله زیاد از مسکو، تفاوت‌های فرهنگی - مذهبی و نژادی و حتی پیش بینی استقلال آنها بوده باشد؛ ولی شرایط در ایران متفاوت است. قلمرو جغرافیایی فعلی ایران قرن‌ها جزئی از قلمرو تاریخی وسیع‌تری بوده و از نظر مذهبی حدود ۱۴۰۰ سال است که دین اسلام در آن گسترش

1- UNDF, 1992

۲- از آنجا که بیش از ۵۰ درصد جمعیت جمهوری‌های واقع در آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان) و آذربایجان مسلمان هستند، در این مقاله جزء کشورهای اسلامی محسوب شده‌اند.

یافته است. بنابراین تفاوت‌های فرهنگی (به ویژه زبانی) و یا فاصله از مرکز نباید نقش چندانی در سطح توسعه مناطق مختلف آن داشته باشد. در عین حال دو کشور روسیه و ایران در یک موضوع مشترک می‌باشند و آن اینکه به ترتیب دارای بیشترین همسایه در جهان هستند (۱۶ و ۱۵ مورد) و از نظر تعداد منابع اختلاف‌های فعال و پنهان با همسایگان خود نیز به احتمال زیاد ردیف‌های اول و دوم را در جهان به خود اختصاص داده‌اند (کامران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۲). در این میان وضعیت ایران به دلایل ذیل حساس‌تر است:

رشد سریع جمعیت به ویژه در استانهای مرزی آن، نوع فضای منطقه‌ای - ایدئولوژیکی، شفافیت موضع سیاسی آن در مورد مسائل منطقه‌ای و جهانی از یک سو و عدم تأمین کافی نیازهای اساسی جمعیت به خصوص نیازهای اشتغال، مسکن و ... از دیگر سو.

اصولاً در رویکرد جدید توسعه، توسعه پایدار به عنوان راهبرد جهانی قرن بیست و یکم در نشست سران به سال ۱۹۹۲ در «ریو» مورد پذیرش قرار گرفته است. اهداف توسعه پایدار عبارتند از: تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم‌ها که در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) باید اجرا شود (کاظمی محمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۴). بر همین اساس، برای تحقق توسعه پایدار که متضمن تقویت هویت، اقتدار و امنیت ملی خواهد بود، ضرورت دارد تا مناطق دور افتاده و محروم در سطح ملی در اولویت قرار گیرند.

در این نوشتار، برخی متغیرهای بنیادین مؤثر در توسعه انسانی^۱ در استان‌های مرزی به طور تطبیقی از طریق مقایسه درصدها، محاسبه معیار (Z)، ضرایب همبستگی و آزمون‌های معنی‌داری تفاوت‌ها (t) (کورتز، ۱۳۷۴، ص ۲۰۶) و (u) (کولاز، ۱۹۷۵، ص ۵۱) با کل کشور و دیگر استان‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند؛ زیرا هدف مقاله روشن ساختن پاسخ این سؤال اساسی است که آیا فاصله از مرکز تأثیری بر مهمترین ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و سطح توسعه داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، آزمون‌های آماری مناسب و نیز به شیوه اسنادی به بررسی جایگاه استان‌های مورد مطالعه نسبت به کل کشور پرداخته شده است.

میزان مولید خام

میزان مولید در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ در ایران به ترتیب ۲۸/۳ (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۵۴) و ۱۹/۸ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶) در هزار برآورد شده است. در سال ۱۳۷۰ میزان مولید در همه استان‌های مورد مطالعه به جز خراسان و آذربایجان شرقی بیشتر از کشور بوده است. تحوّل مثبت طی این پنج سال مربوط به استان‌های بوشهر و ایلام بوده است؛ زیرا معیار (Z) مولید آنها در سال ۱۳۷۰ به ترتیب (+۰/۷) و (+۱/۱) و در سال ۱۳۷۵ (-۰/۳) و (صفر) می‌باشد. مسئله اصلی در رابطه با استان آذربایجان غربی است که میزان مولید آن بر عکس تمام استان‌ها در حد ۳۰ در هزار - ۱/۵ برابر کشور در سال ۱۳۷۵ ($Z = +۲/۳$)، ثابت مانده است.

۱- در سال ۱۹۹۰ سازمان ملل بر مبنای تعریف عملی از توسعه انسانی، بر اساس شاخص‌های امید به زندگی، نرخ باسوادی و تولید ناخالص سرانه داخلی به سنجش سطح توسعه انسانی در کشورهای مختلف پرداخت (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴).

جدول ۱- متغیرهای جمعیتی و اقتصادی مورد مطالعه در استان‌های مرزی کشور (سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵)

استان	جمعیت ^{۱۱} (هزار نفر)		نرخ رشد (درصد)	وسعت در کشور (درصد)	جمعیت در کشور (درصد)	نسبت جمعیت بر وسعت*	میزان مولد (در هزار)**		درصد شهرنشینی	امید به زندگی ^۷	نرخ ^۸ با سوادی ^۷	هزینه سرانه (هزار ریال) ^۹	موازنه مهاجرتی ^۱ (درصد)	وضع مهاجرت	شاخص توسعه ^{۱۲}
	۱۳۶۵	۱۳۷۵					۱۳۶۵	۱۳۷۵							
اردبیل	۱۱۶۸	۱۰۳۶	۱/۲	۱/۱۳	۱/۹۴	۱/۷	-	۱۹/۸	۴۸/۷	۶۵/۷	۶۳/۲	۱۶۵۲	-۳/۳	فرست	-
	۳۳۲۶	۳۰۷۷	۰/۸	۲/۷	۵/۵	۲	۲۷/۵	۱۷/۱	۶۰/۳	۶۶/۵	۶۷/۵	۱۶۵۲	-۲/۶	فرست	۰/۳۳
آذربایجان شرقی	۲۴۹۶	۱۹۷۱	۲/۴	۲/۳	۴/۲	۱/۸	۳۰/۳	۳۰/۲	۵۲/۷	۶۴/۷	۶۱/۱	۱۴۳۹	+۰/۶	ثبات	۰/۱۵
	۱۳۴۶	۱۰۷۸	۲/۲۵	۱/۷	۲/۲	۱/۳	۳۲/۲	۲۱/۸	۵۲/۴	۶۱/۶	۵۶/۹	۱۳۸۶	-۱/۹	فرست	-۰/۵۷
کردستان	۱۷۷۹	۱۴۶۲	۱/۹۸	۱/۴۵	۲/۹۶	۲	۳۱/۱	۲۳	۶۱/۷	۶۵	۶۸/۱	۱۸۶۰	-۲/۶	فرست	-۰/۳۲
	۴۸۸	۳۸۲	۲/۵	۱/۱۷	۰/۸	۰/۶۸	۳۴/۵	۱۹/۸	۵۳	۶۴	۶۷	۱۴۰۹	-۰/۶	ثبات	-۰/۶۸
کرمانشاه	۳۷۴۷	۲۶۸۲	۳/۴	۴	۶/۲	۱/۵۵	۲۵/۸	۲۲/۲	۶۲/۵	۶۶/۹	۶۹/۲	۱۷۸۱	+۳/۳	پذیر	۰/۴۲
	۷۴۴	۶۱۲	۱/۹۷	۱/۵۵	۱/۲۴	۰/۸	۳۲/۱	۱۸/۷	۵۳	۶۶/۶	۷۲/۵	۱۴۹۳	-۳/۴	فرست	-۰/۰۷
خوزستان	۱۰۶۲	۷۶۲	۳/۳۸	۴	۱/۸	۰/۴۵	۲۸/۳	۲۷/۸	۴۱/۸	۶۵/۹	۶۳/۳	۱۵۸۵	-۰/۳	ثبات	-۰/۱۳
	۱۷۲۳	۱۱۹۷	۳/۷	۱۱	۲/۹	۰/۲۶	۴۰/۵	۳۰/۸	۴۶/۲	۶۱/۱	۴۸/۱	۱۱۲۰	-۰/۱	ثبات	-۰/۰۷
سیستان و بلوچستان	۶۴۴۸	۵۲۸۰	۲	۱۹/۴	۱۰/۷	۰/۵۵	۲۷/۵	۱۸/۸	۵۶/۶	۶۴/۳	۷۳/۹	۱۵۰۲	+۰/۲	ثبات	۰/۳۵
	۲۴۳۲۷	۱۹۵۳۹	۲/۲۲	۵۰/۴	۴۰/۵	۰/۸	۳۱/۲	۲۲	۵۵/۸	۶۴/۵	۶۴/۵	۱۵۳۴	-	فرست	منفی
جمع	۶۰۰۵۵	۴۹۴۴۵	۱/۹۶	۱۰۰	۱۰۰	۱	۲۸/۳	۱۹/۸	۶۱/۳	۶۹/۲	۷۲/۹	۱۸۹۹	-	-	-

* بر این اساس، تراکم نسبی جمعیت در استان‌های شمالغربی و غربی - به جز ایلام، بسیار بالاتر از دیگر استانها است.

** بر اساس میزان مولد سال ۱۳۷۵، ۴۵/۲ درصد از مولد کشور مربوط به استان‌های مورد مطالعه است (۵۳۶ هزار مولد) در حالی که جمعیت آنها ۴۰/۵ درصد کشور بوده است.

جدول ۲- آزمون‌های (t) و (u) برای اثبات معنی داری تفاوت‌ها

آزمون F***	پذیرش u با حذف ۳ استان	پذیرش t با حذف ۳ استان +	پذیرش u	پذیرش t	** آزمون u	* آزمون t	سایر استان‌ها		استان‌های مرزی		متغیر
							انحراف معیار S2	m2 میانگین	انحراف معیار S1	m1 میانگین	
+	٪۹۵	٪۹۵	-	٪۸۰	۴۵	۱/۴	۰/۵۷	۱/۸	۰/۸۶	۲/۲	رشد جمعیت
-	٪۹۵	٪۹۵	-	٪۹۵	۴۷	۲/۰۴	۵/۷	۲۹/۷	۴/۱	۳۳	میزان موالید (۱۳۷۰)
+	٪۹۹	٪۹۸	-	٪۹۲	۴۱	۱/۹	۳/۶	۱۹	۴/۵	۲۲	میزان موالید (۱۳۷۵)
-	٪۹۰	٪۹۵	-	٪۷۰	۸۰	۱/۱	۱۵/۳	۵۸/۹	۶/۲	۵۳/۵	درصد شهرنشینی
-	٪۹۵	٪۹۷	-	٪۷۰	۶۵	۱/۰۱	۲۵۳	۱۶۱۳	۱۹۵	۱۵۳۴	هزینه سرانه (هزار ریال)
+	٪۹۹	٪۹۹/۹	٪۹۹	٪۹۹/۶	۳۳	۳/۲۸	۵/۷	۷۲/۷	۷/۰۳	۶۴/۵	نرخ باسوادی
-	٪۹۹	٪۹۹/۹	٪۹۵	٪۹۹/۷	۳۴	۳/۴۴	۲	۶۷/۲	۱/۸۴	۶۴/۵	امید به زندگی
-	٪۸۰	٪۹۸	-	٪۸۵	۵۶	۱/۵۸	۰/۶۵	۰/۱۶	۰/۴۱	-۰/۱۲	توسعه عمومی

+ استان‌های غیر مرزی کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و لرستان.

$$* \quad t = \frac{m1 - m2}{\sqrt{\frac{(n1-1)S1^2 + (n2-1)S2^2}{n1+n2-2} \cdot \sqrt{\frac{n1+n2}{n1 \cdot n2}}}}$$

$$df = n1 + n2 - 2$$

$$** \quad u = n1 \times n2 + \frac{n1(n1+1)}{2} - R1 \quad u = n1 \times n2 + \frac{n2(n2+1)}{2} - R2$$

$$*** FO = \frac{S1^2}{S2^2}$$

اگر تعداد موالید سال ۱۳۷۲ را ملاک قرار دهیم (۱۳۷۲=۱۰۰)، در سال ۱۳۷۵ شاخص موالید استان آذربایجان غربی ۱۱۷/۷ و سیستان و بلوچستان ۱۰۲ (رحم دل، ۱۳۸۰، ص ۷۳) نشان دهنده افزایش موالید و بقیه با کاهش مواجه بوده اند. در این میان، شاخص موالید استان‌های آذربایجان شرقی (۷۹/۶)، اردبیل (۷۷/۶)، بوشهر (۷۸)، خراسان (۹/۸۳)، خوزستان (۸۰/۷) و کردستان (۸۰) از شاخص کل کشور (۸۵/۶) کوچکترند؛ ولی در استان‌های هرمزگان (۹/۸۷) و کرمانشاه (۸۹/۵) شاخص موالید کاهش کمتری داشته است. در ۴ استان نسبتاً بحرانی آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمانشاه درصد باسوادی از همه کمتر و درصد شهرنشینی نیز به استثناء کرمانشاه در حداقل است؛ ضمن آنکه در همین استان‌ها، رشد متوسط سالیانه جمعیت در دهه ۷۵-۱۳۶۵ بسیار بیشتر از کشور بوده است. بر اساس آزمون (t)، معنی داری تفاوت موالید بین استان‌های مرزی و غیر مرزی در سال ۱۳۷۰ در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید شده ولی در سال ۱۳۷۵ تفاوت معنی داری وجود نداشته است (جدول شماره ۲). اگرچه این نکته نشانگر تحوّل مثبت می باشد، لیکن نباید اثر موالید بالا در استان‌های غیر مرزی مانند چهار محال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان را در این آزمون نادیده گرفت.

میزان مرگ و میر

آمارهای مربوط به میزان مرگ و میر به دلیل پراکندگی شدید جمعیت در ایران و عدم وجود مکانیسم فراگیر در ثبت وقایع فوت، از اعتماد بالایی برخوردار نیستند؛ لیکن به طور مقایسه‌ای می توان مناطق دارای مرگ و میر بالا را شناسایی و به بررسی علل آن پرداخت. بر اساس آمارهای موجود، از میان استان‌های مورد مطالعه، میزان مرگ و میر در استان‌های غربی (ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و شرقی) بیش از میزان آن در کشور است؛ به ویژه در کردستان که این فزونی به ۲ برابر می رسد.

میزان مهاجرت

در بررسی وضع مهاجرت می توان از دو جنبه به مسئله پرداخت. اول؛ بر اساس درصد جمعیت مهاجر یا جمعیت مقیم در محلی غیر از محل تولد، به کل جمعیت مقیم. دوم؛ بر اساس موازنه مهاجرتی. از دیدگاه اول، بیشترین میزان مهاجرت در بین استان‌های کشور مربوط به همین استان‌ها است؛ زیرا پس از تهران ($Z=+2/9$)، بیشترین درصد مهاجر به ترتیب مربوط به کردستان ($Z=+1/4$)، خوزستان، ایلام، بوشهر، کرمانشاه و خراسان بوده که به ترتیب رتبه‌های ۲ تا ۹ را در بین استان‌های کشور کسب کرده‌اند. بررسی نوع مهاجرت غالب در این استان‌ها نشان می‌دهد که این مهاجرت‌ها عمدتاً داخل شهرستانی و از روستا به شهر می‌باشد. به عبارتی، مشکلات زندگی در مبادی عمدتاً عامل دفع جمعیت می‌شوند تا اینکه جاذبه‌های مقاصد باعث جذب جمعیت شده باشند و در نتیجه پیامدهای منفی مهاجرت در آنها بیشتر است؛ زیرا مقاصد توان جذب کارآمد مهاجران عمدتاً روستایی را ندارند.

بر مبنای دیدگاه دوم که کارایی بیشتری در تحلیل وضع مهاجرت دارد، از یازده استان مورد مطالعه به استثناء خوزستان (مهاجرپذیر؛ آن هم به دلیل پایان جنگ و بازگشت بخشی از آوارگان) استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، ایلام، خراسان و آذربایجان غربی در حد ثبات نسبی و شش استان دیگر مهاجرفرست بوده‌اند. شدیدترین

مهاجر فرستی مربوط به استان‌های بوشهر، اردبیل، کرمانشاه و آذربایجان شرقی به ترتیب با موازنه منفی $۴/۳$ ، $۳/۳$ ، $۲/۶$ و $۲/۶$ درصد بوده است.

میزان باسوادی

در همه استان‌های مورد مطالعه به جز خراسان، میزان باسوادی از سطح آن در کشور پایین تر است. به ویژه در سیستان و بلوچستان با $۴۸/۱$ درصد باسوادی ($Z=-۲/۹$) و کردستان با $۵۶/۹$ درصد ($Z=-۱/۷$) وضعیت سواد بسیار ناهنجار است. همین دو استان از نظر سطح توسعه، هزینه ناخالص و امید به زندگی (جدول شماره ۱) پایین ترین ارقام را در میان یازده استان مرزی و کشور دارند.

در هر دو آزمون معنی داری (t و u) بین دو گروه از استان‌های مرزی و غیر مرزی در سطح بالای ۹۹ درصد تفاوت وجود دارد. بنابراین اولویت خاصی برای ارتقاء میزان باسوادی در استان‌های مرزی احساس می‌شود.

شهرنشینی و روستا نشینی

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ در تمام استان‌های مورد نظر به استثناء خوزستان میزان شهرنشینی کمتر از میزان کشور ($۶۱/۳$ درصد) است. حداقل آن ($۴۱/۸$ درصد؛ $Z=-۱/۱$) مربوط به هرمزگان، سیستان و بلوچستان ($۴۶/۲$ درصد؛ $۰/۸$ $Z=-$) و اردبیل ($۴۸/۷$ درصد؛ $Z=-۰/۶$) می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود میزان باروری و رشد جمعیت در این استان‌ها بیش از کشور باشد. موضوع حائز اهمیت اینکه در نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای با توجه به ساختار جمعیتی، اقتصادی و امنیتی در استان‌های مورد مطالعه بایستی تأکید خاصی به حل مسائل زندگی در مناطق روستایی و بخش کشاورزی مبذول شود. به ویژه که متوسط اشتغال در بخش صنعت در همه آنها به جز خراسان (آن هم عمدتاً به دلیل رواج فرش‌بافی) از متوسط کشوری پایین تر است و به دلایل گوناگون از جمله مسائل امنیتی، دوری از مراکز جمعیت و در نتیجه ضعف سرمایه گذاری، چشم انداز روشنی برای آینده صنعت آنها پیش‌بینی نمی‌شود.

بر اساس آزمون‌های (t) و (u) تفاوت معنی داری از نظر میزان شهرنشینی بین دو گروه از استان‌ها ملاحظه نمی‌شود که علت آن وجود استان‌های با درصد شهرنشینی بسیار پایین در بین استان‌های غیر مرزی است؛ انحراف معیار $۱۵/۳$ در این استان‌ها به خوبی این ادعا را تأیید می‌کند و بر طبق آزمون (F فیشر) تفاوت معنی داری بین واریانس‌های دو گروه استان‌ها اثبات شده است ($F_0=۰.۱۶$, $F_a=۱.۴۶$).

نرخ رشد جمعیت

با توجه به وضع سواد، مولید، شهرنشینی و اشتغال می‌توان نرخ رشد بالای جمعیت در این استان‌ها را پیش‌بینی کرد. بررسی نرخ رشد سالانه جمعیت در دهه $۱۳۶۵-۷۵$ مبین همین مسئله است. برای مثال، استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان، ایلام، کردستان و آذربایجان غربی دارای رشدی بیش از رشد آن در سطح کشور و استان‌های خراسان، بوشهر و کرمانشاه در حد آن بوده‌اند. ارقام مربوط به آذربایجان شرقی ($۰/۸$) و اردبیل ($۱/۲$) به دلیل تقسیمات سیاسی جدید و مهاجر فرستی شدید آنها از قابلیت تحلیلی برخوردار نیستند؛ بنابراین استان‌های دارای

اولویت، از نظر کاهش رشد جمعیت همان‌هایی هستند که میزان مولید بسیار بالایی دارند. البته برخی از استان‌های غیرمرزی دارای میزان مولید و رشد جمعیت بالا را نباید فراموش کرد. به همین دلیل بر اساس آزمون (t) تنها در سطح ۸۰ درصد، تفاوت معنی داری بین رشد جمعیت در دو گروه استان‌ها تأیید شده است.

هزینه ناخالص سرانه (سطح زندگی)

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ متوسط هزینه ناخالص سرانه در کشور ۱۸۹۹ هزار ریال بوده است. همه استان‌های مرزی کشور هزینه ناخالص سرانه ای کمتر از آن در کشور دارند. به ویژه سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام به ترتیب با ۱۱۲۰ ($Z=-2$)، ۱۳۸۶ ($Z=-0.185$)، ۱۴۰۹ ($Z=-0.176$) هزار ریال بدترین وضعیت را دارا می‌باشند. همان‌هایی که از نظر میزان مولید، نرخ رشد جمعیت و سواد شرایط نامطلوبتری داشته و از نظر بار تکفل خالص همراه با کرمانشاه، هرمزگان و خوزستان در رده‌های اول در ایران هستند. بنابراین بیشترین مسائل و فشار اقتصادی مربوط به یازده استان مرزی به طور اعم و شش استان اخیرالذکر به طور اخص می‌باشد. اگرچه بر اساس آزمون (t) در سطح ۷۰ درصد، معنی داری تفاوت هزینه‌ها تأیید شده است؛ لذا نباید برخی استان‌های غیرمرزی به ویژه کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و لرستان را فراموش کرد. به عبارتی روشن اگر این سه استان را حذف کنیم، هردو آزمون در سطح بالای ۹۵ درصد، تفاوت هزینه سرانه بین دو گروه استان‌ها را تأیید می‌کند.

امید به زندگی (متوسط عمر)

طبق برآورد سال ۱۳۷۵ امید به زندگی در ایران ۶۹/۲ سال است. متأسفانه در همه استان‌های مرزی، امید به زندگی کمتر از آن در کشور است. به طوری که حداکثر آن در خوزستان با ۶۶/۹ سال ($Z=-0.97$) و حداقل در سیستان و بلوچستان با ۶۱ سال ($Z=-3/4$) می‌باشد. به عبارتی، در بهترین منطقه (خوزستان) باز هم معیار (Z) منفی است. در مجموع، کمترین امید به زندگی در سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام است که از نظر سواد و هزینه ناخالص سرانه نیز وضع مشابهی را ارائه داده‌اند.

آزمون‌های (t) و (u) تفاوت معنی داری امید به زندگی بین دو گروه استان‌ها را در سطح بالای ۹۹/۵ درصد اثبات می‌کند. از آنجا که امید به زندگی برآیند بسیاری از عوامل است؛ بنابراین توجه به این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

سطح توسعه عمومی اقتصادی

با محاسبه شاخص توسعه عمومی اقتصادی سال ۱۳۶۵ در سطح استان‌ها با کاربرد حدود ۵۰ متغیر (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، ۱۳۷۰) می‌توان از طریق اولویت‌بندی استان‌ها به اتخاذ راهبردهای مؤثر یاری رساند. از این نظر نیز استان‌های مرزی در اولویت راهبردی قرار می‌گیرند؛ زیرا استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و کردستان پایین‌ترین شاخص و رتبه را داشته‌اند. (شاخص‌ها به ترتیب ۰/۷-، ۰/۶۸- و ۰/۵۷-، رتبه‌ها به ترتیب ۲۴، ۲۳ و ۲۲ در بین ۲۴ استان)، کرمانشاه (شاخص ۰/۳۲-، رتبه ۱۷)، هرمزگان (شاخص ۰/۱۳-، رتبه ۱۶)، بوشهر

(شاخص $-0/07$ ، رتبه ۱۴) و آذربایجان غربی (شاخص $0/15$ ، رتبه ۱۱) در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. آزمون معنی داری تفاوتها در این رابطه نیز تحت تأثیر وجود برخی استان‌های کمتر توسعه یافته‌تر در بین استان‌های غیر مرزی قرار گرفته است و فقط بر اساس آزمون (t) و در سطح اطمینان ۸۵ درصد، تفاوت به اثبات رسیده است.

تحلیل رگرسیونی روابط متغیرها

بنابر اهمیت رابطه بین متغیرها، معنی داری^۱ ضرایب همبستگی در سطح استان‌های کشور به آزمون گذاشته شد. نتایج ذیل حاصل کاربرد آزمون فوق‌الذکر می‌باشد:

وجود رابطه معنی دار در سطح بالای ۹۵ درصد بین متغیرهای درصد باسوادی با درصد شهرنشینی ($r=0/84$)، درصد خالص مهاجران و شاخص توسعه ($r=0/52$) و بین رشد جمعیت با موازنه مهاجرتی ($r=0/74$)، بین درصد شهرنشینی و درصد خالص مهاجران با شاخص توسعه (به ترتیب $r=0/81$ و $r=0/52$) از یک طرف و رابطه معنی دار معکوس بین رشد جمعیت شهری با درصد باسوادی ($r=-0/7$)، درصد شهرنشینی ($r=-0/68$) و توسعه عمومی ($r=0/61$) و بین موازنه مهاجرتی با درصد اشتغال کشاورزی ($r=-0/43$) از طرف دیگر می‌بین این واقعیت مهم است که مسئله اصلی در مقیاس ملی، تفاوت‌های عمیق بین شهرها و روستاها و میان استان‌های مختلف می‌باشد. بدین ترتیب با مهاجرت از روستا به شهر به ویژه در استان‌های عقب افتاده و با جمعیت شهری پایین، تنها رشد جمعیت شهری (بعد کمی) آنها تشدید یافته است؛ در حالی که سطح توسعه عمومی و درصد باسوادی پایین است. در واقع در این استان‌ها روستائیان رانده شده، زیر تأثیر دافعه‌ها به علت عدم توسعه کافی در استان به سوی شهرهایی روی می‌آورند که خود نتوانسته‌اند جمعیت ساکن‌شان را به حداقلی از سطح زندگی ایده‌آل برسانند. به همین دلیل جاذبه اصلی آنها بیشتر در حد مهاجران داخل استانی و به ویژه داخل شهرستانی است. نمونه بارز این استان‌ها، سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، آذربایجان غربی و کرمانشاه است.

نکته مهم، توجه به تقویت بنیه اقتصادی مناطق روستایی اینگونه استان‌ها است؛ زیرا یکی از تفاوت‌های اصلی بین شهر و روستا، افزایش بیشتر رشد اشتغال سالانه در شهرها است که نقش مؤثری در جذب جمعیت بیش از ظرفیت ایجاد شده دارد (شایان، ۲۰۰۰، ص ۲۱) برای مثال، "در مقطع ۱۳۴۵-۶۵ متوسط افزایش سالانه شاغلان شهری ۴/۲ درصد و شاغلین روستایی فقط ۰/۵۷ درصد بوده است" (زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۲). از طرف دیگر "درصد شاغلین روستایی به کل جمعیت روستانشین در همین سالها از ۲۶/۶ به ۲۲/۵ درصد" (صمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵) کاهش یافته

۱- معنی داری ضرایب بر اساس سه روش محاسبه شده است: اول، با استفاده از برنامه SPSS رایانه در سطح اطمینان ۰/۹۹ و ۰/۹۹۹؛ دوم "طبق جدول والاس - سندکور که برای ۲۲ درجه آزادی (N-۲) حداقل ضریب معتبر با ۹۵ درصد اطمینان، ۰/۴۰۴ و با ۹۹ درصد اطمینان ۰/۵۵ می‌باشد؛ سوم بر اساس فرض صفر در تحلیل ضریب همبستگی - الگوی طبیعی؛ که جهت محاسبه سه مرحله می‌شود: خطای معیار ضریب به فرض $R=0$ از طریق $S = 1/\sqrt{N}$ ، متغیر معیار Z به فرض $R=0$ و $Z = R(1/\sqrt{N})$ و احتمال پذیرش HI با سطح احتمال استنباط آماری مربوط به ضریب به ازاء Z محاسبه شده در جدول. "۱۴ در جدول مربوطه در ازاء $Z=1/65$ سطح اطمینان (p) ۰/۹۵ می‌شود، لذا با محاسبه خطای معیار به راحتی می‌توانیم حداقل ضریب معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد را محاسبه کنیم. مثال ۲۴ استان: ضریب معتبر: $S = 1/\sqrt{24} = 0.2$ ؛ لذا $z = 0.33 \times 0.2 = 0.65$ یا $r = 1.65 \times 0.2 = 0.33$

۲- مقطعی که تقسیمات سیاسی در حد کمی تغییر یافته و لذا تحلیل کمی تغییرات امکان پذیرتر است.

است. اگرچه "درصد شاغلین غیر کشاورزی در مناطق روستایی از ۲۵/۶ درصد (۱۲۹۹ هزار نفر) به ۴۹/۷ درصد (۳۰۳۹ هزار نفر) افزایش یافته" (لهسایی زاده، ۱۳۷۳، ص ۱۸۵)؛ لیکن باید بدانیم که در همین فاصله زمانی نسبتاً طولانی، مجموع شاغلان روستایی از ۵۰۷۳ هزار نفر تنها به ۶۱۱۳ هزار نفر بالغ گردیده است.

نتیجه گیری

بی تردید موقعیت ژئوپولیتیکی ایران به ویژه در بین کشورهای ترکیه، آذربایجان، عراق، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان و حاشیه خلیج فارس - دریای عمان و از این مهمتر رعایت بعد عدالت ایجاب می کند که به کلیه استان‌ها همانند عناصری نگریسته شود که کارکرد صحیح آنها باعث برقراری عملکرد کارآمد کل کشور - سیستم، خواهد شد. اگر هر کدام از این عناصر اختلال عملکردی داشته باشد، بی شک کل سیستم نیز دارای ناهنجاری کالبدی، اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. کافی است به مهمترین نمود این ناهنجاری‌ها یعنی مهاجرت‌های بی‌رویه، مبادی و مقاصد انبوه مهاجران و اثرات زیانبار هجوم آنها توجه شود. برای مثال، در فاصله سالهای ۷۵-۱۳۶۵ از مجموع ۹۱۷ هزار مهاجر وارد شده از سایر استان‌ها به استان تهران، ۳۹۳ هزار مهاجر (۴۲ درصد) از ۱۱ استان مرزی کشور بوده اند که بیشترین فاصله کمی و کیفی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را با آن دارند؛ در نتیجه بیشترین آسیب‌ها به فضای کالبدی، اجتماعی و اقتصادی پایتخت و شهرهای مهم کشور وارد می شود.

در این مقاله بررسی مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه در ۱۱ استان مرزی ثابت کرد که بایستی اولویت ویژه ای به این استان‌ها داده شود؛ زیرا بر اساس آزمون‌های (t) و (u) به ویژه اگر سه استان لرستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد را در نظر بگیریم، تفاوت معنی داری بین استان‌های مرزی و دیگر استانها از نظر متغیرهای مورد بررسی اثبات شده است. در این میان، استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی، هرمزگان و بوشهر از وضعیت نامناسبی به خصوص از نظر میزان مولید، رشد جمعیت، سواد، هزینه ناخالص سرانه و امید به زندگی و استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و بوشهر نیز از نظر مهاجرفرستی برخوردارند. در مجموع به دلیل اهمیت روستائینی و اشتغال کشاورزی در اغلب این مناطق، تقویت زیر ساخت‌های بخش روستایی - کشاورزی، ارتقاء میزان سواد و کاهش باروری دارای اولویت می باشند.

در خاتمه به دلیل آنکه توسعه برای مردم است و توسط مردم نیز باید تحقق یابد، بنابراین باید به دست‌اندرکاران طرح‌های توسعه، گفته زوریخ را توصیه کرد:

(Zurick, 1988, P.442) Go to the people, Answers are there

منابع و مآخذ

- ۱- جوان، جعفر، ۱۳۸۰، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲- رحم دل، عزت الله، ۱۳۸۰، ثبت رویداد تولد و تغییرات آن، مجله جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۳۵ و ۳۶.
- ۳- زنجانی، حبیب الله، ۱۳۷۰، طبقه‌بندی شهرهای کشور بر پایه فعالیتهای صنعتی و برخی خصوصیات جمعیتی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۳.
- ۴- صمدی، محسن، ۱۳۶۶، بررسی میزان رشد جمعیت، سواد و اشتغال در مناطق روستایی، مجله جهاد.
- ۵- کاظمی محمدی، سید مهدی، ۱۳۸۰، توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاهها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲.
- ۶- کامران، حسن، ۱۳۸۰، بستر جغرافیایی تهدیدهای بیرونی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲.
- ۷- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، نقدی بر متدولوژی سنجش سطح توسعه انسانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱.
- ۸- کورتز، نورمن آر، ۱۳۷۴، مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب الله تیموری، نشرنی، تهران.
- ۹- لهسایی زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۳، جامعه شناسی کشاورزی، انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ و سالنامه آماری کل کشور (۱۳۷۵)، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۲- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۷۰، سنجش توسعه صنعتی مناطق کشور.
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۷۰، جغرافیای اقتصادی ایران (جلد اول)، دانشگاه فردوسی.
- ۱۴- نصفت، مرتضی، ۱۳۶۷، اصول و روشهای آماری، دانشگاه تهران.

15- Cullagh. MC. "Data use and Interpretation", Oxford university- 1975.

16- Shayan, Hamid, "Inter Provincial Migration in Iran", The Geogratpher, Vol 47, No.1, Jan 2000. "Aligarh univ, India.

17- UNDF, "Human Development Report", NewYork , oxford, 1992.

18- Zurick, David, "Resource Needs and Land Stress in Rapti Zone, Nepal", Professional Geographer, America, 40 (4), 1988.